



برهنگی باید جدی گرفته شود

سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات در شورای تأمین چهارمحال و بختیاری این استان گفت: «هیچ کس طرفدار این که برخی ناهنجاری‌ها، تخلف‌ها و ناامنی‌ها ادامه یابد نیست.» وی در ادامه افزود: «باید نخست اراده آن را داشته باشیم و سپس طراحی‌های ایجابی و راهکارهایی که می‌تواند در بین مردم اثرگذار باشد، اجرا شود و یکی از این ناهنجاری‌های اجتماعی، برهنگی است که باید جدی گرفته شود.»



وفاق توزیع قدرت میان ذی‌نفوذان نیست

علی زینی‌وند، رئیس ستاد انتخابات کشور در افتتاحیه سومین دوره همایش آموزش منطقه‌ای انتخابات، ویژه فرمانداران، مدیران کل سیاسی و انتخابات، مدیران فناوری اطلاعات و مسئولان آموزش استان‌های کرمان، فارس و یزد با بیان اینکه انتخابات فرصتی برای گفتمان‌سازی و نمایش وفاق ملی است، افزود: «ممکن است برخی از مردم از عملکردها دلخوری‌هایی داشته باشند، اما باید با رفتار منصفانه این فاصله‌ها را کاهش دهیم.» زینی‌وند با تأکید بر لزوم رعایت عدالت انتخاباتی گفت: «هیچ تفاوتی میان کسی که به رئیس‌جمهور رأی داده و کسی که رأی نداده وجود ندارد. امکانات باید به‌طور برابر برای همه احزاب و گروه‌ها فراهم شود. همه مردم، مردم ما هستند؛ همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس هیچ خط‌کشی وجود نداشت. وفاق به معنای توزیع قدرت میان ذی‌نفوذان نیست، بلکه به معنای بسیج همه نیروهایی است که در چار چوب سیاست‌های نظام و دولت قصد خدمت دارند.» معاون وزیر کشور با اشاره به تغییرات جدید در قانون انتخابات شوراهای گفت: «در این دوره شاهد ثبت‌نام الکترونیکی داوطلبان، افزایش مراجع استعلامی و تمرکز در شیوه استعلام‌ها هستیم. همچنین بر تعامل سازنده با هیئت‌های نظارت و دستگاه‌های امنیتی تأکید داریم و از رؤسای هیئت‌های نظارت خواسته‌ایم افراد حرفه‌ای و باتجربه را به‌عنوان دبیر انتخاب کنند. انتخابات ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، صحنه نمایش وحدت ملی است و مشارکت مردم در آن، پیوندی مستقیم با امنیت ملی خواهد داشت.»



انتخابات تناسبی وزن احزاب را مشخص می‌کند

محمد صالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس در گفت و گو با خانه ملت درباره انتخابات تناسبی گفت: «در شیوه انتخابات تناسبی، مجموع رأی افراد در فهرست‌ها جمع می‌شود و با تقسیم بر کل رأی ماخوذه در حوزه انتخابیه، نسبت لیست به کل آرا به دست می‌آید. نسبت این لیست یک عدد صحیح و یک عدد اعشار می‌شود و ما براساس اعداد صحیح و اعشاری که فهرست بدست آورده است، کرسی‌ها را اختصاص می‌دهیم. در خصوص نامزدهای منفرد، کل رأی منفردین تقسیم بر کل رأی ماخوذه می‌شود تا نسبت آن نیز بدست آید تا پایان کار نیز برای آنها نسبت در نظر گرفته شود اما اگر آرای منفردین کمتر از تعداد آرای افرادی باشد که وارد شورا شدند، منفردین دیگر سهمی نخواهند داشت و این سهم نیز میان فهرست‌ها توزیع می‌شود.» وی در ادامه افزود: «با این شیوه انتخاباتی وزن احزاب سیاسی میان مردم مشخص می‌شود و به این میزان باید در مقابل مردم پاسخگو باشند.»

نگاه هم‌میهن

تحلیل اجتماعی فیلم کوتاه عروسی



عباس عیدی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

قصد نوشتن درباره فیلم عروسی دختر آقای شمخانی را نداشتم؛ ولی چون به موضوع مهم افکار عمومی تبدیل شد، گفتم شاید تحلیل من هم بتواند به درک بهتر این مسئله کمک کند. این فیلم از چند زاویه مورد بحث قرار گرفته است. از نظر تجملات و سطح بالای هزینه‌ها، شرعی نبودن پوشش‌ها، نقض حریم خصوصی، منبع و انگیزه انتشاردهندگان، ریاکاری و... من نیز نگاه خود را از چندوجه آن تقدیم می‌کنم. در واقع می‌خواهم بگویم که چرا این فیلم تا این اندازه بازنشر و بازتاب پیدا کرده است؟ چنین فیلم‌هایی در شرایط متعارف جامعه ما اگر از مردم عادی باشد، اصلاً مسئله مهمی محسوب نمی‌شود، ولی این فیلم چون در زمینه اجتماعی و سیاسی خاصی مطرح شده اهمیت زیادی یافته است.

اولین مسئله سطح اقتصادی عروسی است. می‌گویند داماد خرج کرده. این مسئله با توجه به اخبار دیگر درباره خانواده آقای شمخانی فاقد اهمیت است و این عروسی بازتاب محدودی از سطح زندگی آنان است. حدس می‌زنم که تا حد

زیادی هم رعایت کرده‌اند که بیش از اندازه غیرمتعارف نشود و خیلی از هزینه‌ها هم به چشم نمی‌آید. به نظرم ثروتمند بودن نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح هم می‌تواند باشد. غربی‌ها را ببینید با افتخار ثروت خود را اعلام می‌کنند و اگر رتبه آنان کمتر از واقعیت شود اعتراض می‌کنند. مثل قدرت و هنر و علم، که سیاستمداران و ورزشکاران و هنرمندان و دانشمندان برتر به جایگاه خود افتخار می‌کنند. پس چرا در ایران ثروت مرتبط با قدرت مذموم معرفی می‌شود؟ به این دلیل ساده که رسیدن به ثروت ممکن است از طریق رانت و نه تولید باشد. منابع تولید ثروت ایران ماسک شناخته‌شده است. کمابیش مسیر روشنی دارد، ولی در ایران هیچ کس نمی‌داند که این ثروت از کجا آمده است. لذا پنهان‌کاری ثروت رفتاری عمومی می‌شود. اعتقاد ندارم که افراد با سطح پایین اقتصادی نمی‌توانند ثروت‌های کلان پیدا کنند. اغلب ثروتمندان واقعی خودساخته هستند و از طریق ارث به جایی نرسیده‌اند. ولی زندگی و مسیر آنها به نسبت روشن است، حتی اگر قدری هم از رانت و شانس بهره‌مند باشند. ولی در نهایت پشتکار و تولید مبنای ثروت آنها است. به نظرم آقای شمخانی نتوانسته‌اند یا به هر دلیلی نخواسته‌اند که این مبنای ثروت خانواده را شرح دهند. به‌ویژه که تقریباً در ۴۵ سال گذشته، همیشه در مدیریت سطح بالای سیاسی و نظامی کشور بوده‌اند و شغل اقتصادی مستقل و شناخته‌شده نداشته‌اند.

تاریخ سیاست

در را قفل نکن!

به بهانهٔ چهل و هشتمین سال‌گرد درگذشت حاج سیدمصطفی خمینی

ختمی برای مصطفی خمینی ترتیب دهد. گویا ساواک پیشنهاد کرده بود برگزاری آن ممنوع شود اما شاه به دولت دستور داد ممانعتی نشود. این مجلس در مسجد ارگ واقع در ورودی بازار و نزدیکی کاخ گلستان برگزار شد و نزدیک پنج هزار تن در آن شرکت کردند. شاید این واقعه بود که به [آیت‌الله] خمینی پروبالی داد.» البته نام امام بر خلاف ادعای دکتر نهاوندی فراموش نشده بود کما این که اولاً پنج هزار نفر برای چه باید در مراسم ترحیم فرزند یک چهرهٔ فراموش شده شرکت کنند و ثانیاً در بسیاری از خانه‌ها - از جمله خانهٔ خدومان - کتاب بی‌جلدی بود که در همان کودکی دریافت‌م رسالهٔ توضیح‌المسائل یک مرجع تقلید است و شگفت‌رده می‌شدم که یک کتاب دینی چرا باید در نظر حکومت تا این حد خطرناک جلوه کند؟! »

▼ لقب «امام» در مراسم ترحیم مصطفی

یکی از اتفاقات بعد از درگذشت مصطفی جدای طرح علنی نام آیت‌الله خمینی رواج لقب «امام» برای او بود که جایگاهی فراتر از مراجع دیگر می‌بخشید و اگرچه ابوالحسن بنی‌صدر هم گفته قبل‌تر از این عنوان برای توصیف ایشان استفاده کرده با برخی از دوست‌داران آقای طالقانی هم در معرفی نویسنده «پرتوی از قرآن» از لفظ «امام» بهره برده بودند اما بی‌شک حسن روحانی بود که در همان مجلس ترحیم مسجد ائمه این عنوان را به کار برد. روایت خود او از این قرار است: «حاج آقا مصطفی در شب شهادت خود تعدادی مهمان داشته که هویت آن‌ها مشخص نشد و به همین

در سطور بعد گزارش نیز ۴ بار کلمه «خمینی» آمده و سعی شده با توصیف سیدمهدی هاشمی به عنوان قاتل آیت‌الله شمس‌آبادی ارتباطی میان امام و او القا شود که باطل بودن آن با حوادث بعد از انقلاب و خاصه اعدام سیدمهدی هاشمی در دوران جمهوری اسلامی روشن است. با این حال نمی‌توان انکار کرد که با درگذشت سیدمصطفی خمینی همراه با شایعهٔ قتل و در فضای پر شایعهٔ بعد از درگذشت دکتر علی شریعتی تنها ۵ ماه قبل از آن توجه افکار عمومی بار دیگر به آیت‌الله خمینی در نجف جلب شد خاصه این که این بار رژیم پهلوی برای خنثی کردن شایعات قبلی هم ناچار بود اجازه دهد مجالس ترحیم برگزار شود چون در این صورت شایعهٔ قتل پرنگتر می‌شد در حالی که هنوز از اتهام قتل علی شریعتی و قبل از آن جلال‌آل احمد و حتی غلامرضا تختی و صمد بهرنگی کمر راست نکرده بودند.

هوشنگ نهاوندی از چهره‌های نزدیک به شاه و فرح که دوشنبه‌شب درگذشت دیروز در «هم‌میهن» به تفصیل به او پرداخته شد در کتاب «آخرین شاهنشاه» - که در دوران تدریس در دانشگاه پاریس به اتفاق یک استاد دیگر آن دانشگاه (ایوب‌ماتی) نوشته - می‌نویسد: «پس از سال‌ها نام [آیت‌الله] خمینی دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. بسیاری وی را فراموش کرده بودند. که‌گاه اعلامیه‌هایی می‌داد و نوارهایی ضبط می‌کرد و به ایران می‌فرستاد ولی بر روی هم نفوذ زیادی بر افکار عامه نداشت. درگذشت آقا مصطفی پسرش اما سبب شد از او نامی برده شود. مهندس مهدی بازرگان از مخالفان سرشناس دولت و نخست‌وزیر بعدی [امام] خمینی خواست مجلس



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

هر چند از خبر درگذشت مشکوک حاج سید مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ به عنوان حادثه‌ای یاد می‌شود که پس از سال‌ها بار دیگر نام آیت‌الله خمینی مرجع تقلید در تبعید را بر سر زبان‌ها انداخت و در فضای سیاسی تازه بعد از روی کار آمدن جیمی کارتر در آمریکا مجالی را فراهم ساخت اما شاید برخی ندانند که دو هفته قبل از آن هم روزنامهٔ اطلاعات در ۱۶ مهر ۱۳۵۶ (شمارهٔ ۱۵۴۳۲) نام‌ربر فقید انقلاب را البته بدون عنوان مذهبی آورده بود و در دل گزارشی با این عنوان: «اجتماع و پخش اعلامیه در حرم حضرت عبدالعظیم.»

آن گزارش این گونه شروع می‌شد: «بعدازظهر دیروز حدود ۱۲۰ نفر از کسانی که خواهان آزادی سیدمهدی هاشمی، لطف‌الله میثمی، عزت‌الله سحابی و چند نفر دیگر بودند در صحن حضرت عبدالعظیم حضور یافته و کوشش کردند زائران حضرت عبدالعظیم را گرد آورده و برای آنها در زمینهٔ خواست‌های خود مطالبی عنوان نمایند ولی چون کوشش آنان بی‌نتیجه ماند به پخش چند فقره اعلامیه که با خود داشتند اکتفا و صحن حضرت عبدالعظیم به دادن شعار به نفع [امام] خمینی و سیدمهدی هاشمی مبادرت کردند.»